



قدم اول

«قدم اول» نگاهی است مختصر به آنچه پیش روی شماست.

صفحات «آداب» درباره آداب «توت خوری» در توتستان های ارومیه است. هاشم همچون پدرش معتقد است توت از جمله میوه های با برکت است که کسب روزی از فروش آن به زندگی برکت داده و رزق و روزی را افزایش می دهد.

در صفحات «طبیعت» به دشت های لاله و ازگون سفر کرده ایم؛ در دامنه های زاگرس. به لاله و ازگون، گل اشک مریم هم گفته می شود. هنوز هم با وجود همه بی مهری ها به طبیعت، لاله های و ازگون را در بخش های مختلف کوهستان های کشور می شود دید.

در صفحات «گذر» با عشایر ایل بختیاری همسفر شده ایم که این روزها عزم کوچ به مناطق بیلاقی کرده اند؛ سیاه چادرها در قشلاق یکی پس از دیگری در حال جمع شدن است. محمدیار بوی بهار را استشمام می کند. نگاهی به دشت سبز می اندازد و میزان علف های چراگاه را بررسی می کند. هوا در سرزمین های قشلاقی روبه گرمی نهاده و بی تابي گوسفندان خبر از اتفاق بزرگی می دهد.

«سوغات» درباره فرش ساروق یکی از محبوب ترین سوغاتی های اراک است که آوازه ای بلند دارد. آقالی بافی مهم ترین هنر صنعت دستی ساروق است. فرش ساروق بافت محکم و نسبتاً ظریفی دارد و بافنده های این منطقه روش پودگذاری خاصی دارند.

«تاریخ» درباره آخرین پنجشنبه اردیبهشت است که روز گرامی داشت شاعر شهیر ترکمن است. عشق ترکمن ها به شاعر نامدارشان همیشگی است و هر ترکمنی در طاقچه خانه اش در کنار قرآن کریم دیوان اشعار از مکتومقلی دارد.

«پیشه» شرح پیشه ای است قدیمی در سیستان و بلوچستان؛ توتن بافی هنر ساخت قایق های جمع و جور و سبک.

از توتن باری برای حمل بار و دام استفاده می کردیم. طولش به ۴ متر می رسد، به طوری که یک شتر یا گاو را به راحتی با آن از روی دریاچه و یا رودخانه عبور می دهیم. توتن صیادی هم کوچک تر از توتن باری است و طول آن به ۲ متر می رسد.

در «خیابان غذا» به یک نوشیدنی سنتی جنوبی پرداخته ایم، «کرک» یک چای پرانرژی است که سال هاست در جنوب کشور تهیه می شود. برای یک کرک خوش طعم باید به ترکیب جادویی ادویه ها دست پیدا کرد. بعد از آن، دم کشیدن هم اهمیت دارد. عمو حسن برای بهتر شدن کیفیت بعد از دم کشیدن کرک را در فلاسک می ریزد تا حسایی جا افتاده شود.

داستانی که قهرمان آن کتاب است

هدیه سادات میر مرتضوی

هنوز خیلی هایمان هستیم که عشق بو کشیدن و لمس کردن صفحات کاغذ و یادداشت نویسی گوشه ورق های کاغذی داریم، کتاب هدیه می دهیم و از هدیه گرفتن کتاب ذوق می کنیم، وقتی پا به کتابخانه یا کتاب فروشی می گذاریم ساعت ها در دنیای کلمات غرق می شویم و زمان و مکان، از دستان در می رود.

هنوز خیلی هایمان گوشه و کنار اتاق ها و هر جا که دم دستان بیاید کتاب تلنبار می کنیم و از تماشایشان دلگرم می شویم. به خصوص اگر در صفحات اول یک کتاب، دستخطی از دوست هنرمندی برایمان به یادگار نوشته شده باشد. کتاب با امضای مؤلفش چه شود! بعضی هایمان مهر مخصوصی برای خودمان درست کرده ایم و طوری به کتاب هایمان مهر می ورزیم که فقط یک کتاب کاغذی خوان حرفه ای می تواند حسمان را درک کند.

اما حقیقت تلخ این است که از تعداد ما روز به روز دارد کاسته می شود و در عوض به نسل جدید کتاب خوانی اضافه می شود که جدی و پویا روی گوشی ها و لپ تاپ های خود اپلیکیشن های کتاب و کتاب خوانی را نصب دارند تا در هر موقعیت و فرصت، در کسری از ثانیه، با پرداخت هزینه ای کمتر، نسخه الکترونیکی کتاب مورد نیازشان را دانلود کنند، نکات مهمش را در پوشه ای برای خود ذخیره کنند و کتاب را در آرشيو سیستم خود که حکم کتابخانه های ما را دارد، تا موقع لزوم نگه دارند. وقتی هم که خود را از کتاب بی نیاز دیدند، با فشار یک دکمه شیفت و دیلیت، به عمر کتاب الکترونیک خود پایان دهند. کتاب کاغذی یا کتاب الکترونیک؟ سال هاست این بحث در جهان مطرح است. خیلی از دوستان طبیعت درباره اش می گویند و گلوپاره می کنند. اینکه حال زمین خراب است و بریدن هر درخت در این شرایط اسفناک، اوضاع را وخیم تر می کند. اما مشکل اینجاست که هنوز در عصر فناوری های نوین، با وجود استفاده کمتر از روش های دیگری مثل تهیه کاغذ از تفاله نیشکر، برای تهیه کتاب، از تنه درختان زیادی استفاده می شود. دوستداران طبیعت برای حل این مشکل، ایده جایگزینی کتاب های الکترونیکی به جای کتاب های کاغذی را مطرح کرده اند و بر آن پافشاری دارند. این مسئله جهانی، ناشرهای زیادی را در این سال ها با توجه به مخاطب شناسی درست و ترس جا ماندن از دنیای فناوری، به این سمت و سو کشانده است.

ناشرها و کتاب فروشی ها هم بیکار نماندند و بخش فروش مجازی کتاب های خود را با خلاقیت بیشتر، فعال تر از قبل کردند. جامعه ایران از قافله کتاب های الکترونیکی عقب نماند و طی این مدت، رویدادهایی شگفت انگیز رقم زد. مثل امکان دسترسی رایگان به نسخه های الکترونیکی منابع اصلی و مرجع انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی در حوزه آرشيو، اسناد، کتابداری و نسخه پژوهی.

اتفاق جدید دیگر، برای نمایشگاه بین المللی کتاب تهران رقم خورد. چه کسی باورش می شد طی دو سال متوالی، این نمایشگاه با آن همه دیدبه و کبکبه و غرفه های ناشرین داخلی و خارجی، به شکل مجازی برگزار شود؟ اما این ماجرا رقم خورد تا کرونا همچنان برایمان شگفتی بیافریند.

اردیبهشت امسال اما در سومین سالی که سایه هولناک کرونا دارد کم رنگ تر می شود، باز عاشقان کتاب، برای رفتن به نمایشگاه مورد علاقه شان برنامه ریزی می کنند. دانشجویان از سراسر ایران، در تورهایی دانشگاهی ثبت نام می کنند و آن ها که مکانی برای خواب ندارند گروه گروه با هر وسیله نقلیه ای اگر شده خود را یک روزه به نمایشگاه می رسانند تا دوباره شب با ساک های پر کتاب به شهر خود برگردند.

باز سالن های مصلاي تهران، مملو از همه هم جمعیتی می شود که برای آگاهی تلاش می کنند. چه آن هایی که در یک سمت غرفه ها در قالب ناشر و فروشنده، با وجود همه ناملایمتی های دنیای نشر و دشواری هایش، مقاومت می کنند و خدمت رسانی دارند و چه گروه دیگر که در این بحبوحه فشارهای اقتصادی، هنوز کتاب آن قدر برایشان مسئله است و اهمیت دارد که از اندک پس انداز خود و از خیلی نیازهایشان می گذرند تا از سفره کتاب خوانی لقمه ای بگیرند.

بچه ها در غرفه های پرزرق و برق کودک، لبخند به لب، اولین مواجهه هایشان را با کتاب تجربه می کنند و دانش آموزان و کنکوری ها به دنبال لیست های سفارش شده معلم ها، پاشنه در غرفه های کتاب کمک درسی می رانند.

کتاب خوان های حرفه ای تر اما با برنامه ریزی بهتر و فهرست های از قبل نوشته شده، مستقیم سراغ غرفه ها و ناشرهای مورد نظرشان می روند. چون خوب می دانند امروز می توانند فلان کتاب دلخواه خود را با امضای نویسنده اش که قرار است در غرفه حضور پیدا کند، بعد مدت ها انتظار خریداری کنند.

ظهر که می شود در هیاهوی صف آن ها که خواهان بن تخفیف هستند و آن ها که تند تند از کارت خوان ها، کارت می کشند تا اندک اندوخته خود را صرف کالای فرهنگی کتاب کنند بوی غذا آنچنان در فضا پیچ و تاب می خورد که دل هر گرسنه ای به قار و قور می افتد.

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، در روزهای زیبای پایانی ماه دوم از بهار امسال، با همه هیاهو و هیجان هایش تفاوت دیگری هم با دوره های قبلی دارد. اینکه این نمایشگاه امسال با حضور هزار و ۷۰۰ ناشر ایرانی و ۱۷۰ ناشر خارجی، پذیرای هزار و ۱۰۰ ناشری است که ترجیح داده اند در نمایشگاه فقط به شکل مجازی شرکت کنند.

این تحول در حوزه کتاب خوانی را باید به فال نیک گرفت. پیوند کتاب های فیزیکی برای مایی که هنوز عادت داریم مجلات را صبح به صبح با انگشت لمس کنیم و همان طور که چایمان را هورت می نوشیم، ستون های جدید خبری را بخوانیم با آن ها که اخبار را از طریق سایت های خبری دنبال می کنند. مایی که حتی در اتوبوس و تاکسی برای مسیرهای طولانی، کتابی در لابه لای وسایل کیفمان به همراه داریم تا آن ها که کنارمان نشسته اند و در همان حال نسخه پی دی اف کتاب می خوانند یا کتاب صوتی گوش می دهند.

سی و سومین نمایشگاه کتاب، با وجود همه کم و کاستی هایش، اعتراض گروهی از ناشران کتاب های الکترونیکی و صوتی به نحوه جانمایی، کمبودها و دشواری ها و محدودیت ها به دلیل بیماری کرونا، با وجود حضور مردمی که عده ای ماسک به صورت دارند و عده ای ندارند و عده ای بالاتکلیف مانده اند که ماسک بزنند یا نزنند، تمرین خوبی برای یک همدلی ملی است و نوید بخش داستان شیرینی که باز هم قهرمان آن کتاب ها هستند.